عکس: علی محمدی / ایران

ناگفته‌های محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی از شب‌های حمله به تأسیسات هسته‌ای در گفت‌وگوی اختصاصی با «ایران»

از اعلان قرمز تا گزارش به رهبری

گفت و گو

مریم سالاری - یك سال پس از آنکه تأسیسات هسته‌ای ایران از فردو و نطنز تا مجتمع آب‌سنگین اراك هدف حملات قرار گرفتند، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، میهمان روزنامه ایران شد؛ حضوری که فرصتی فراهم کرد تا پای روایت او از شب‌های حمله بنشینیم و از روزهایی بپرسیم که یکی از حساس‌ترین بخش‌های صنعتی کشور زیر آتش قرار داشت، هرچند از همان ابتدا روشن بود که این گفت‌وگو قرار نیست به آسانی پیش برود؛ حساسیت ذاتی پرونده هسته‌ای، حضور حداقلی مدیران این حوزه در رسانه‌ها، عادت آنها به کوتاه‌گویی و مهم‌تر از همه، پیچیدگی ملاحظاتی که بر اطلاع‌رسانی درباره تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای حاکم است، از پیش، دامنه پرسش‌ها و پاسخ‌ها را محدود می‌کرد. پیش‌بینی ما البته درست از آب درآمد؛ دوربین روشن شد، پرسش‌ها یکی پس از دیگری مطرح شد و در خلال پاسخ‌های خونسرد اما مصمم رئیس سازمان انرژی اتمی، جزئیاتی شنیدیم که هر یك می‌توانست بخشی از روایت ناگفته آن شب‌ها باشد، اما درست همان‌جا که کار روزنامه‌نگاری به نقطه کشف و روایت می‌رسد، ملاحظات امنیتی و حفاظتی دست کم بخشی از آنچه را شنیده بودیم، پشت مرز انتشار متوقف کرد؛ از آن دشواری‌های آشنای روزنامه نگاری که گاهی خبرنگار باید آنچه را برای روایت کردن به دست آورده، نه منتشر کند و نه حتی درباره جزئیاتش سخن بگوید. با این حال، گفت‌وگو با چهره‌ای که در تمام این سال‌ها مسئولیت یکی از حساس‌ترین حوزه‌های کشور را برعهده داشته و در جنگ ۱۲ روزه، تأسیسات تحت مدیریت او مستقیماً هدف حمله قرار گرفتند، خالی از نکات خواندنی نیست؛ اسلامی از شب‌های حمله به فردو و نطنز، اعلان‌های قرمز برای نیروهای مستقر در نطنز تنها دقایقی پس از حمله به تهران، گزارش‌هایی که در ساعات پس از حمله به رهبر انقلاب و رئیس‌جمهوری ارائه شد و آنچه در روزهای جنگ بر تأسیسات هسته‌ای ایران گذشت، روایت‌هایی دارد که بخش‌هایی از آن را برای اولین‌بار در این گفت‌وگو می‌شنویم؛ ناگفته‌هایی از پشت صحنه روزهایی که در آنها، فاصله میان یك هشدار، یك تصمیم و یك حمله تنها چند دقیقه بود...

گفت‌وگو را از شبی آغاز کنیم که جنگ ۱۲ روزه با شهادت شماری از فرماندهان نظامی و چهره‌های برجسته علمی کشور آغاز شد. در همان لحظات اولیه، آیا شما پیش‌بینی می‌کردید که با ادامه پیدا کردن حملات، تأسیسات هسته‌ای ایران نیز ممکن است در فهرست اهداف قرار بگیرند؟ یا در آن مقطع هنوز تصور می‌کردید که دامنه جنگ تا این اندازه ادامه پیدا کند و به تأسیسات هسته‌ای برسد؟

بله، ما همواره با تهدید فعال مواجه بوده‌ایم و همچنان هم هستیم. یکی از مواردی که از قبل مطرح بود، با توجه به سر و صدای زیادی که از سوی اسرائیل و آمریکایی‌ها وجود داشت و بسیار هم پرتکرار بود، احتمال حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران بود.

سازمان انرژی اتمی ایران تقریباً از ربع قرن پیش، برای حفاظت از تأسیسات هسته‌ای کشور در برابر تعرض، تمهیداتی را در نظر گرفته بود. طبیعی و بدیهی بود که وقتی سازمان با عملیات تروریستی و خرابکاری مواجه بوده، برای کاهش یا از بین بردن آسیب پذیری‌های خود نیز تمهیداتی داشته باشد. این تمهیدات در واقع بخشی از یك سیاست ملی، یعنی سیاست‌های کلی نظام، است که در محاوره یا مکاتبات از آن با عنوان «پدافند غیرعامل» یاد می‌کنیم. بنابراین، تمهیدات لازم از قبل اتخاذ شده بود. از طرف دیگر، آنچه در عملیات روانی یا رسانه‌ای از سوی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی مشاهده می‌کردیم، برای ما نکات معناداری داشت و طبیعتاً باید برای آنها نیز تمهیدات لازم را در نظر می‌گرفتیم.

نکته مهمی که در سؤال شما وجود دارد این است که آیا چنین حمله‌ای پیش‌بینی می‌شد یا نه. پاسخ من این است که بله، پیش‌بینی می‌شد و ما برای آن هم تمهیداتی را در نظر گرفته بودیم. وقتی حمله آغاز شد، تأسیسات هسته‌ای در عمل در همان ساعات اول در میان اهداف قرار گرفتند؛ حملاتی که پس از هدف قرار گرفتن فرماندهان و چهره‌های برجسته یا همزمان با آن، متوجه مراکز هسته‌ای کشور شد.

پیش از حمله به تأسیسات هسته‌ای هشدار مشخصی دریافت کرده بودید؟ یعنی مثلاً از یك منبع یا کانال مشخص به شما گفته شده بود که امشب قرار است تأسیسات هسته‌ای هدف قرار بگیرد؟

یك نکته مهم این است که ما از قبل، هم احتمال حمله را پیش‌بینی کرده بودیم و هم برای آن، تمهیدات لازم را در نظر گرفته بودیم. حتی طی نامه‌ای به مدیرکل آژانس نوشتم و به آژانس هشدار لازم داده شد و از مدیرکل خواستم براساس مسئولیت‌های اساسنامه‌ای خود تمهیدات لازم را اتخاذ نماید اما اینکه حمله دقیقاً چه زمانی و با چه ابعادی اتفاق بیفتد، قابل پیش‌بینی نبود. آن مقطع، شرایط کشور هم متناسب با روند پیشرفت مذاکرات تنظیم شده بود. بنابراین، وقتی حمله در آن شب آغاز شد، برای کشور به یك معنا غافلگیرکننده بود. من خودم آن شب تهران نبودم؛ در اصفهان بودم. ساعت ۳:۲۰ دقیقه بامداد یعنی حدود ۲۰ دقیقه بعد از حمله بود که به من تلفن کردند و گفتند تهران مورد حمله قرار گرفته است. (حدود ساعت ۳:۲۰ که به تهران حمله شد) من همان لحظه، بدون معطلی با فردو و نطنز تماس گرفتم و به آنها گفتم شرایط جنگی و قرمز است و باید سریع وضعیت قرمز را اجرا کنند. آنها هم بلافاصله این اقدامات را انجام دادند.

از لحظه‌ای که این هشدار را دادید تا زمانی که نطنز هدف قرار گرفت، چه مدت زمانی فاصله بود؟

تقریباً می‌شود گفت ۲۵ دقیقه بعد از آن تماسی که من با همکارانم گرفتم و اعلام کردم تمهیدات وضعیت قرمز را اجرا کنند، به نطنز حمله شد. وقتی من از اصفهان حرکت کردم و به سمت نطنز آمدم، هنوز گرد و غبار و دودی که در اثر اصابت موشك‌ها به سایت نطنز ایجاد شده بود، در آسمان دیده می‌شد. در واقع، هنوز آثار انفجار کاملاً فروکش نکرده بود و منطقه همچنان درگیر دود و گرد و غبار ناشی از اصابت‌ها بود. من تقریباً با فاصله ۲۰ دقیقه از زمان اصابت موشك‌ها به آنجا رسیدم و از نزدیك، در میدان، شاهد آنچه اتفاق افتاده بود، بودم.

بلافاصله چه اقداماتی انجام دادید؟

این وضعیت، دستورالعمل مشخصی دارد و همه این موارد هم به‌صورت مکتوب پیش‌بینی شده است و همکارانم آن را انجام دادند.

در آن لحظات اول، مهم‌ترین نگرانی‌تان چه بود؟

همکاران ما آنجا در شیفت شب مشغول به کار بودند؛ یعنی اینطور نبود که کسی در سایت حضور نداشته باشد. در همان چند دقیقه‌ای که من با آنها تماس گرفتم و شرایط را اعلام کردم، آنها توانستند پناه بگیرند و به لطف الهی، ما در آنجا تلفات انسانی نداشتیم.

شما با مجموعه‌ای از نیروها از بخش‌های مختلف مواجه بودید که هر کدام باید بخشی از بحران را مدیریت می‌کردند. آن لحظه‌ای که همه فهمیدند سایت هدف قرار گرفته، فضای داخل نطنز چگونه بود و اولین واکنش نیروها چه بود؟

این اولین بار بود که به تأسیسات ما حمله می‌شد. آنچه ستودنی و برای ما خیلی حائز اهمیت است، روحیه بچه‌ها بود. با وجود اینکه تأسیسات مورد اصابت قرار گرفته بود، نیروهای مختلف ما از نیروهای فنی و فرآیندی گرفته تا نیروهای حفاظت و امنیت و همچنین نیروهای ایمنی و امداد و نجات، همه با روحیه بسیار عالی درگیر کار بودند. بالاخره شرکت‌ها و واحدهای مختلفی در آنجا فعالیت می‌کنند و هرکدام مسئولیت و نقشی بر عهده دارند؛ یك گروه فنی است، یك گروه ایمنی و امداد و یك گروه هم حفاظت و امنیت. همه با روحیه و با تلاش مضاعف حاضر بودند.

اما روحیه همه آنها سرشار از ایمان بود. شما وقتی به چهره‌هایشان نگاه می‌کردید، می‌دیدید که با وجود اینکه همه از آسیبی که وارد شده بود متأثر بودند اما در عین حال، مصمم‌تر از قبل به نظر می‌رسیدند؛ مصمم نسبت به هدفی که دنبال می‌کردند و مسئولیتی که برعهده داشتند.

بعد از حمله شب اول، وقتی خودتان به نطنز رسیدید و صحنه را از نزدیك دیدید، اولین تصویری که از میزان تخریب در ذهنتان ماند چه بود؟

تصوراتی که دشمن دارد، قرائتی که از ماجرا ارائه می‌کند و روایتی که می‌سازد، در واقع بخشی از یك عملیات ترکیبی است؛ هم سیاسی، هم روانی و هم نظامی. بعد هم طبیعی است تبلیغاتی که انجام می‌دهد و روایتی که از عملیات خودش ارائه می‌کند، همراه با رجزخوانی باشد و بخواهد اینطور جلوه بدهد که کار را تمام کرده است. برای یك جریان شیطان‌صفت و جنایتکار، طبیعی هم هست که چنین روایتی داشته باشد و غیر از این هم از آن انتظار نمی‌رود. اما نکته‌ای که برای ما حائز اهمیت بود، این بود که بتوانیم موجودیت خودمان و مأموریتی را که بر عهده داریم با چنگ و دندان حفظ کنیم و با ایمان راسخ به تداوم حرکت خودمان ادامه بدهیم. این نکته برای ما کاملاً مشهود بود و صرفاً یك امر اداری یا یك پروتکل سازمانی نبود. یك باورمندی عمیق در درون جامعه مدیران و کارکنان ماست که با همه وجودشان، تحت هر شرایطی، وظیفه خودشان را ادامه بدهند. ما این را در صحنه جنگ ۱۲ روزه و بعد از آن، در جنگ بعدی با همه وجودمان دیدیم و تجربه کردیم.

آن شب، چهره‌های زیادی از فرماندهان و شخصیت‌های ارزشمند کشور هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. با توجه به جایگاه شما و مسئولیتی که بر عهده داشتید، طبیعی بود که احتمال بدهید شما هم در فهرست اهداف قرار دارید. با این حال، شما عازم نطنز شدید تا از محل حمله بازدید کنید. آیا این احتمال که خود شما هم ممکن است هدف قرار بگیرید، نگرانتان نمی‌کرد؟ در آن لحظه چه چیزی باعث شد تصمیم بگیرید شخصاً به محل بروید؟

هیچوقت نگرانی نداشتم. هر بار که در زمان جنگ به سایت می‌رفتم، همان موقع به من اطلاع می‌دادند که پهپادها در منطقه هستند و وضعیت قرمز است و اصرار می‌کردند که سریع سایت را ترك کنم. خب، من هم ملاحظات عقلی و در حقیقت ایمانی خودم را دارم و مضاف بر اینکه انسان نباید اجازه بدهد دشمن به هدفش برسد. اما نکته مهم‌تر و بالاتر از شخص من، خودِ موجودیت مسئولیتی است که بر عهده داریم؛ موجودیتی که یك ملت برای شکل‌گیری و حفظ آن زحمت کشیده و هزینه داده است. این سرمایه‌ای نیست که به آسانی به دست آمده باشد؛ برای آن هزینه‌های زیادی شده است. هرچقدر جنگ پیش رفت و با وجود همه روایت‌هایی که دشمن مطرح می‌کرد، امروز برای مردم ما آشکارتر و روشنتر شده که اصلاً این جنگ، جنگِ آن بهانه‌ای که مطرح می‌شد، نیست؛ جنگِ مقابله با هستی ما و اقتدار یك ملت است؛ وقتی یك فناوری می‌تواند تراز علمی، فناوری و قدرت صنعتی یك کشور را تا این اندازه تغییر بدهد. دستیابی به فناوری هسته‌ای یك فناوری معمولی نیست و همه نمی‌توانند به آن دست پیدا کنند. مگر اینکه تحت لوای قدرت‌های دیگر باشند؛ آنهم نه در این سطح و عمق از دانش و فناوری.

به دلیل غافلگیری اولیه جنگ ۱۲ روزه، طبیعتاً دسترسی‌های امنیتی و ارتباطی میان مسئولان و چهره‌های مختلف هم بسیار دشوار شده بود. از طرفی، بعد از هدف قرار گرفتن نطنز، شما باید درباره وضعیت تأسیسات و ادامه کار با مسئولان مربوط هماهنگ می‌کردید. در آن شرایط با چه کسانی توانستید تماس بگیرید؟

بلافاصله پس از حملات آقای حاجی‌میرزایی تماس گرفتند و سؤال کردند و بنده گزارش مختصری برای استحضار رئیس‌جمهوری تقدیم کردم. آقای پزشکیان هم خودشان همیشه شجاعانه، متعهدانه و قوی پای کار بودند و همه اختیارات متصوری را که یك رئیس دستگاه یا یك استاندار می‌تواند داشته باشد، به همه تفویض کرده بودند. بنابراین، هیچ‌کسی احتیاج نداشت برای کاری که در چارچوب مشخص می‌خواهد انجام بدهد، بیاید مجوز یا اختیار بگیرد.

ما هم برای انجام اقدامات‌مان به هیچگونه مجوزی نیاز نداشتیم و صرفاً برای اطلاع‌رسانی موضوع را گزارش کردیم و گفتیم که چنین اتفاقی رخ داده است. در آن جنگ ۱۲ روزه، مقام معظم رهبری، امام شهید (رحمت‌الله) درباره وضعیت تأسیسات هسته ای سؤال فرموده بودند و من بلافاصله تا ظهر گزارش و روایت خود را به صورت کتبی تهیه کردم. گزارش مهمی بود و خدمت مقام معظم رهبری ارسال کردم. ارتباطات ما در آن شرایط هم مثل قبل به صورت مکتوب بود البته سعی می‌کردیم از سیستم مخابراتی که آن روز نمی‌توانستیم به آن اعتماد کنیم، استفاده نکنیم و در واقع به‌صورت مکتوب ارتباط برقرار می‌کردیم.

سکینه خاطری که امام شهید داشتند، آن استواری، ایمان راسخ و ژرف‌نگری ایشان و قابلیت‌های ایجاد شده به لطف الهی همه بجا بود و جواب داده بود. یعنی همه کسانی که دست اندرکار مسائل راهبردی و امنیت کشور بودند، می‌دانستند که بالاخره یك روز آمریکا و اسرائیل به ما حمله نظامی خواهند کرد. همه می‌دانستند که این رویارویی همه جانبه و حتمی است لذا دفاع هم باید همه‌جانبه باشد، چون تهاجم آنها همه‌جانبه است و این دفاع باید نامتقارن باشد تا بتواند اثربخش باشد.

همه آن تدابیر و فرامینی که وضع شده بود، در این دو جنگ نشان داد که الحمدلله درست و حکیمانه بوده و جواب هم داده است. یعنی همان روزها با توجه به اینکه آنها ظرف چند ساعت، به قول خودشان، ساختار تصمیم‌گیری نظامی را هدف قرار دادند و فرماندهان را به شهادت رساندند، فکر می‌کردند که دیگر شیرازه کار از هم می‌پاشد و می‌توانند سوار بر موجی شوند که قصد ایجادش را داشتند؛ ناکام ماندند یعنی لطف خداوند و هدایت‌های مقام معظم رهبری و ایستادگی و هوشیاری و غیرت ملی ایرانیان، آنان را ناکام گذاشت.

چند روز بعد، نوبت به فردو رسید؛ سایتی که موقعیت جغرافیایی‌اش به دلیل قرار گرفتن در زیر زمین از ابتدا آن را به یکی از نقاط مهم این جنگ تبدیل کرده بود و اسرائیل هم با وجود تلاش‌هایش نتوانست آن تخریب مورد نظرش را در آنجا ایجاد کند. اما می‌خواهم از لحظه‌ای بپرسم که پای آمریکا به ماجرا باز شد: آیا شما پیش از حمله آمریکا به فردو، در جریان قرار گرفته بودید که قرار است این کشور وارد عملیات شود؟ چون ادعاهایی مطرح شد مبنی بر اینکه آمریکا پیامی به ایران داده بود که فقط فردو را می‌زند و بعد از آن کنار می‌کشد. آیا این روایت را تأیید می‌کنید؟

هیچ‌کسی از حمله به فردو مطلع نشده بود؛ یعنی ما هم مطلع نبودیم. اینکه آمریکا گفته باشد فقط همین دو جا را می‌زنم و تمام می‌کنم، نه، چنین چیزی نبود. به نظر نمی‌رسد این حرف و این روایت بتواند جایگاهی داشته باشد. ما در جریان حمله‌هایی که اسرائیل به فردو و نطنز انجام می‌داد، بلافاصله اقدامات لازم برای ترمیم را انجام می‌دادیم. آنها از این موضوع متحیر بودند. تهاجم اسرائیل به سایت فردو پرتکرار بود. چندین نفر از نیروهای حفاظت پیرامونی سایت و نیروهای پدافند هوایی سایت هم در این جنگ به درجه رفیع شهادت نائل شدند.

درباره وضعیت نیروهای پدافندی و نحوه عملکرد آنها در جریان درگیری بیشتر توضیح می‌دهید؟ آیا این درگیری‌ها در شب حمله به فردو آغاز شد؟

از روزهای اول جنگ، هدف اول دشمن صهیونی سایت‌های پدافند هوایی کشور بود. جنگ پهپادها با نیروها و پست‌های پدافند هوایی سایت‌ها پیش از حملات اصلی شروع شده بود. با حضور هواپیماها و پهپادهای اسرائیلی، ما پیش‌بینی می‌کردیم که قرار است حمله جدیدتری به فردو صورت بگیرد. این پیش‌بینی بر اساس میدان، مشاهدات ما و رفتاری بود که اسرائیلی‌ها از خودشان نشان می‌دادند و این رفتار هم خیلی مداومت داشت. از همان روز اولی که دشمنان عملیات را شروع کردند، اولین نقاطی که می‌زدند، سایت‌های پدافندی ما بود؛ یعنی پدافند نطنز، پدافند فردو و پدافند اصفهان. با پدافند ما خیلی درگیر بودند. پدافندِ هوایی ارتش در سایت‌های ما یعنی فردو، نطنز و اصفهان چندین شهید دادند. از همین درگیری‌ها متوجه می‌شدیم که یك عملیات بزرگ‌تر در جریان است.

شبی که به فردو حمله شد، یك ادعایی دست به دست در فضای رسانه‌ای می‌چرخید که ظاهراً چند ساعت پیش از بمباران فردو، یك تبادل آتش میان نیروهای ما و نیروهای مهاجم در پست‌های پدافندی اطراف فردو اتفاق افتاده؛ یعنی یك درگیری نفر به نفر. آیا شما این روایت را تأیید می‌کنید یا نه؟ نکته دیگرم درباره ادعای بسیار مهمی است که ترامپ بعد از حمله مطرح کرد که البته بعد از آن دیگر تکرار نشد و مسکوت ماند. او مدعی شد که پس از حمله به فردو، نیروهای آمریکایی رفتند، سایت فردو را رصد کردند و اطلاعات کافی به دست آوردند و بر اساس آن مطمئن شدند که این سایت به طور کامل تخریب شده است. می‌خواهم روایت شما را هم درباره این ادعا بدانم.

نه، این یك دروغ محض است. ببینید، در کتابی که اسرائیلی‌ها منتشر کرده‌اند و همین پادکست‌هایی که اخیراً درباره بازدارندگی آمریکا و اسرائیل منتشر کرده و آن را تحلیل کرده‌اند، نوشته‌اند که وقتی جنگ را شروع کردیم، با یك عملیات ویژه، نیروهایمان روی زمین رفتند و همه سایتهای پدافندی ایران را از کار انداختند. این یك ادعای بزرگ است. یك مشت افراد تروریست بیایند نزدیك سایت پدافندی، سایت پدافندی را بزنند و از کار بیندازند و هیچ صدایی هم درنیاید؟ احتمالاً طرح آنها این گونه بوده است این هم مانند همان رویای ساقط کردن جمهوری اسلامی است که آرزویش را به گور خواهند برد.

آیا در آن شبها اتفاق غافلگیرکننده‌ای رخ داد که پیش‌بینی نکرده بودید؟

ما همیشه برای مصون‌سازی و حفظ سرمایه و دارایی‌های‌مان با تدابیر گوناگون، چه تدابیری که نوشته شده باشد و چه تدابیری که نانوشته باشد، اقدام کرده‌ایم و همچنان هم این کار را انجام می‌دهیم. جنگ است دیگر؛ دشمن نباید دست شما را بخواند. این یك حقیقت است. اگر دشمن بتواند دست شما را بخواند، یعنی شما وظیفه‌تان را درست انجام نداده‌اید. الان هم نیروهای مسلح همینطور هستند؛ هم پرتحرکند و هم باید تمهیدات لازم را داشته باشند.

ما هم در بخش صنعت هستیم. صنعت ما بخش‌هایی دارد که به‌طور طبیعی آسیب‌پذیر هستند. این دیگر هنر جنگ نیست؛ مثلاً نمی‌توانیم یك تأسیسات صنعتی مربوط به صنایع شیمیایی یا پالایشگاهی را به یك سازه امن منتقل کنیم. از طرفی، سال‌هاست که این تأسیسات با ماهواره دیده می‌شوند؛ جای آنها مشخص است، ابعادشان مشخص است. خب، این دیگر هنر جنگ نیست.

اما بخش‌هایی که آسیب‌پذیر نبودند یا در واقع می‌شد آنها را در برابر آسیب مصون نگه داشت، از همان ابتدا در تدابیر ما قرار داشتند. ملاحظات زیست‌محیطی، ملاحظات انسانی و شرایط محیط کار و اینکه این مشاغل آلایندگی نداشته باشند، همه این موارد را از ابتدا در نظر گرفته بودیم تا این بخش‌ها را مصون نگه داریم و این کار را هم انجام دادیم.

از جمله این تأسیسات، تأسیسات آب سنگین اراك بود که هدف قرار گرفت.

بله؛ این نکته مهمی است. ببینید، در صنعت ما، مثلاً در بخش آب سنگین، یك اتفاق بسیار مهم افتاده است. آب سنگین واقعاً مرز دانش است و این موضوع از افتخارات مردم ایران محسوب می‌شود. اینکه جوانان و محققان جوان ما توانستند آب سنگینی تولید کنند که در سطح جهانی در رتبه اول خلوص و مورد افتخار است؛ یعنی همه دانشمندان به آن افتخار می‌کنند و همه متقاضی این آب سنگین هستند. آب سنگین حدود ۳۰۰ مشتقات دارد که این مشتقات در مصارف گوناگون از حوزه پزشکی و سلامت گرفته تا محیط زیست و صنعت، کاربرد دارند.

ما درباره محصولی صحبت می‌کنیم که هم در مرز دانش قرار دارد و هم از افتخارات بشریت محسوب می‌شود. اما اولین جایی که آمدند و زدند، آن بخشی بود که کاربردش برای مردم ملموس‌تر است؛ یعنی خط تولید اکسیژن ۱۸۰ و این تصور که با حمله نظامی می‌توانند ما را نابود کنند، خیال باطلی است.

امروز بسیاری از دستاوردهای ما حاصل تلاش جوانانی با میانگین سنی ۳۰ تا ۳۵ سال است. اگر برای این نیروهای خلاق و جوان، شغل‌های دانشی تراز بالا فراهم کنیم، با انگیزه می‌مانند و برای کشورشان خدمت می‌کنند. فشارها، تحریم‌ها و تخریب‌ها هم نه‌تنها آنها را سست نکرده بلکه مصمم‌ترشان کرده است.

در میان تمام آن شب‌های حمله و روزهای پرالتهاب جنگ، تصویر، خاطره یا اتفاقی در پشت صحنه وجود دارد که تاکنون روایت نشده باشد؟

موضوعی که خوب است مردم بدانند، نقش آژانس و مدیرکل آژانس است. مرتب شنیده می‌شود که همکاری با آژانس ضعیف است. آنها به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که ایران نظارت‌پذیر نیست و مدیرکل آژانس هم بارها و بارها، البته در چند هفته اخیر کمی کمتر، این موضوع را مطرح کرده که ایران باید همکاری بیشتری داشته باشد. اما چند مطلب هست که بنده اینجا عرض می‌کنم؛ موارد متعددی از طریق حفاظت و امنیت سازمان کشف شده است و در بازرسی، رفتار مشکوك داشته است یا مثلاً یك شیء مشکوکی همراه داشته است و مشخص شده که برای جمع‌آوری اطلاعات برای دشمن انجام می‌شده است. خب، ببینید، این برای مردم ما خیلی مهم است که بدانند ما تابع قوانین و مقررات آژانس هستیم و همه آنها را دقیقاً رعایت کرده‌ایم و رعایت می‌کنیم. وقتی از داخل کفش یك بازرس آژانس، جاساز پیدا می‌شود یا از داخل لباس و وسایل او ماده‌ای کشف می‌شود که مشکوك است و مشخص است که انگیزه‌ای پشت آن وجود دارد، مهم‌ترین کاری که انجام می‌دهیم همین مطلب مستند می‌شود.

صورت جلسه می‌شود و با ارسال مستند و گزارش صحنه برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صورت مکتوب، همزمان هم صلاحیت آن بازرس را سلب می‌کنیم. یا موارد دیگری که یك فرد دکترای هسته‌ای که با آژانس هم همکاری می‌کرد، در ایران قبل از جنگ البته بازداشت شد آژانس اعتراض کرد که او برای سر زدن به خانواده‌اش رفته و او را بی‌گناه گرفته‌اند اما بعد مشخص شد که این فرد سالها تحت پوشش همکاری علمی، با سرویس‌های جاسوسی بیگانه همکاری می‌کرده است. مهم‌ترین خیانت به یك ملت، خیانت‌هایی است که از درون اتفاق می‌افتد؛ اینکه کسی حالا به هر دلیلی به ملت خودش خیانت کند، به کشورش پشت کند و ضربه بزند.

وقتی این مطلب را به آژانس اطلاع دادیم دیگر متوقف شد و پیگیری نکرد ولی سرویس‌ها و رسانه‌های معاند پروپیمان آن را دنبال کردند. اینها نکاتی است که گفته نمی‌شود اما ما مرتب و مکرر با چنین مواردی از سوی آژانس از سال‌های گذشته تا الان مواجه بوده‌ایم.

یك مورد هم تاکنون وجود ندارد که بازرس آژانس در گزارش بازرسی نوشته باشد «عدم انطباق مشاهده کردم.» شما ببینید، اینها حقایقی است که بیان نمی‌شود. در مقابل، همیشه یك بوق قدرتمند و یك صدای خیلی بلند وجود دارد که می‌گوید ایران باید همکاری بیشتری با آژانس داشته باشد.

ما هیچوقت بازرس آژانس را بیرون نکردیم. وقتی جنگ شد، آژانس به ما نامه نوشت و خواهش کرد کمك کنیم تا بازرسان از کشور خارج شوند. ابتدا درخواست کردند که آنها را به دفتر سازمان ملل ببریم و ما این کار را انجام دادیم. بعد خواهش کردند که از دفتر سازمان ملل، آنها را از مرز ارمنستان خارج کنیم و ما این کار را هم انجام دادیم. یعنی اینطور نیست که ما بازرسان آژانس را اخراج کرده باشیم. کسی که ناآگاهانه حرفی می‌زند در حقیقت به کشور اتهام می‌زند. مردم عزیز ایران بدانند نه پنهانکاری داشته‌ایم، نه سایت پنهانی، و نه برای بازرسان آژانس مزاحمتی ایجاد کرده‌ایم.

الان هم که اجرای قانون مجلس صریح است: مادامی که امنیت تأسیسات هسته‌ای و دانشمندان ما تضمین نشده باشد، باید همکاری با آژانس تعلیق شود، آژانس باید حمله به تأسیسات هسته‌ای را محکوم کند. طبق قوانین و مقررات، باید این حمله را محکوم کند؛ مدیرکل آژانس وقتی یك اتفاق کوچك رخ می‌دهد، بیانیه می‌دهد و آن را شدیداً محکوم می‌کند، اما حمله نظامی و موشکباران تأسیساتی را که همه آنها در آژانس ثبت شده و مستمراً توسط آژانس مورد نظارت بوده‌اند، محکوم نمی‌کند.

بعد از پایان دو جنگ، وقتی به حضور آقای پزشکیان و همچنین رهبر شهید رسیدید و گزارشی از آنچه در جریان این دو جنگ بر سازمان انرژی اتمی و تأسیسات هسته‌ای گذشت ارائه کردید، چه واکنش و بازخوردی دریافت کردید؟

آقای رئیس‌جمهور، بحمدالله انسانی مقتدر و صلح‌دوست و دغدغه‌مندِ پیشرفت و رفاه ملت هستند و من همیشه قدردان محبت و حمایت‌های ایشان بوده‌ام. رهبر شهیدمان هم، همان‌طور که در فرمایشات ایشان آمده، جایگاه و عظمت ایران را در پیشرفت علم و فناوری و به‌ویژه حرکت در مرز دانش می‌دیدند. امروز حرکت در مرز دانش از تکالیف ممتاز ماست؛ ما در حوزه کوانتوم پیشتازیم، روی گداخت به‌عنوان انرژی آینده کار می‌کنیم و توسعه نیروگاه‌های اتمی را با جدیت دنبال می‌کنیم.

هیچ‌کدام از فعالیت‌های ما در طول هر دو جنگ، تعطیل نشد. حتی ادامه ساخت نیروگاه‌های ۲ و ۳ بوشهر که محوطه آنها چندین بار هدف موشك و پهپاد قرار گرفتند، متوقف نشد.

تولید برق، تولید رادیودارو در راکتور تهران و کاربرد پرتوها برای استریل کردن محصولات پزشکی همواره ادامه داشت. به هر صورت، پرچم بالاست و به لطف الهی، این مسیر با قدرت ادامه دارد.

> ما از قبل، هم احتمال حمله را پیش‌بینی کرده بودیم و هم برای آن، تمهیدات لازم را در نظر گرفته بودیم. حتی طی نامه‌ای به مدیرکل آژانس نوشتم و به آژانس هشدار لازم داده شد و از مدیرکل خواستم براساس مسئولیت‌های اساسنامه‌ای خود تمهیدات لازم را اتخاذ نماید اما اینکه حمله دقیقاً چه زمانی و با چه ابعادی اتفاق بیفتد، قابل پیش‌بینی نبود

> ۲۵ دقیقه بعد از آن تماسی که من با همکارانم گرفتم و اعلام کردم تمهیدات وضعیت قرمز را اجرا کنند، به نطنز حمله شد. وقتی من از اصفهان حرکت کردم و به سمت نطنز آمدم، هنوز گرد و غبار و دودی که در اثر اصابت موشك‌ها به سایت نطنز ایجاد شده بود، در آسمان دیده می‌شد

> بلافاصله پس از حملات آقای حاجی‌میرزایی تماس گرفتند و سؤال کردند و بنده گزارش مختصری برای استحضار رئیس‌جمهوری تقدیم کردم. آقای پزشکیان هم خودشان همیشه شجاعانه، متعهدانه و قوی پای کار بودند و همه اختیارات متصوری را که یك رئیس دستگاه یا یك استاندار می‌تواند داشته باشد، به همه تفویض کرده بودند

> هیچ‌کسی از حمله به فردو مطلع نشده بود؛ یعنی ما هم مطلع نبودیم. اینکه آمریکا گفته باشد فقط همین دو جا را می‌زنم و تمام می‌کنم، نه، چنین چیزی نبود. به نظر نمی‌رسد این حرف و این روایت بتواند جایگاهی داشته باشد